

نقش حضرت علی (ع) در خاوران‌نامه

مریم بینا تملی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

چکیده

قهرمان حماسه، نمود یک ملت است. طبیعی است که قدرت آرمانی یک ملت در قهرمان او تجلی کند. این قدرت بخشی یا مبتنی بر نقش‌هایی است که قهرمان در نهادهای مختلف اجتماعی به عهده می‌گیرد و یا مبتنی بر توصیفاتی است که شاعر آرمانی خواه در قالب زبان و تصویر به او می‌بخشد و این جاست که جامعه و ادبیات حتی در یک اثر حماسی به هم می‌پیوندند. در اثر حماسی خاوران‌نامه، توصیفاتی را که درباره شخصیت داستانی حضرت علی (ع) شده است، به دست آورده و سپس مشخصه‌های به دست آمده را مبتنی بر نقش‌ها و نهادهای اجتماعی طبقه‌بندی کرده‌ایم و این نکته بر ما روشن شد که شخصیت دینی و مذهبی وقتی وارد عرصه ادبیات می‌شود، چه توصیفاتی می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: نقش، نهاد، قدرت، سیاست، دین.

ابن حسام و خاوران‌نامه

محمد بن حسام‌الدین بن محمد خوسفی معروف به ابن حسام از شاعران مشهور قرن نهم و از جمله بزرگترین شاعران شیعی مذهب آن دوران است. وی نام و نسب خود را در پایان قصیده‌ای در مدح پیامبر، ذکر می‌کند و می‌گوید:

نامی که جز به نام تو نامی نمی‌شود نام محمد بن حسام محمد است

و عنوان شعری او در همه اشعارش "ابن حسام" است و این تخلص گونه در پایان بسیاری از قصاید وی تکرار شده است. ابن حسام از مردم خوسف از قهستان خراسان بود که اکنون جزو بیرجند و فائانات است و در همان قصبه روزگاری به زهد و ورع می‌گذاشت و دهقانی می‌کرد.

با طبع مقتدری که داشت و خاصه با همه مهارت خود در قصیده سرایی و مدح، ستایش "خواجگان بی وجود" عهد خویش فرو گذاشته، به ستایش بزرگان دین همت گماشته و خود را بدانچه از طریق سعی و کار فراهم می‌آمده خرسند می‌داشته است. (صفا، ۱۳۸۲: ۳۱۶)

ایام زندگی و دوران زندگی ابن حسام (۷۸۳-۷۸۵ هجری قمری) مصادف است با آغاز یورش‌های تیمور در ۷۸۲ هجری قمری تا فوت پسرش شاهرخ در ۸۵۰ هجری قمری در گذشت وی تا هرج و مرج و آشوب پیش از تاجگذاری شاه اسماعیل صفوی در ۹۰۷ هجری قمری در تبریز و در حقیقت دوران تجربه و تشنگی و عصر تفرقه و سیطره فساد و انحطاط اجتماعی که سرو کار عامه مردم با ملوک طوایف و حکام شهنه‌ها و گزیده‌های مغول و تاتار بود. کسانی که اغلب جاهل و فاسد و نالایق بودند رامیان خود تقسیم کرده، خود نیز بازیچه امرای خویش و یا گرفتار تحریکات دائم آن‌ها بودند. هر روز قدرت تازه‌ای سر از کشور بر می‌آورد و قدرت ثابت و سابقه دار و جا افتاده، طبیعتاً از میان می‌رفت و قوای قهار و لایشر و شیطنی چون بلای ناگهانی و صاعقه آسمانی بر این ملک نازل می‌گردید و در قسمت اعظم کشور همه چیز و همه کس را منهدم می‌ساخت. اما به واسطه نیروی تابناک فرهنگ پر مایه و درخشان دوره‌های قبل، ایران مضمحل نشد و باقی ماند و مشاغل علم و ادب هر چند مدتی خاموش گردید اما دوباره از نو درخشیدن گرفت.

هجوم و لشکر گشی‌های مکرر ۴۰ سال لشکر مغول‌ها و ۲۵ سال یورش‌های تیمور- در طی مدتی طولانی بزرگترین و سخت‌ترین مصیبت‌ها را بر مردم ایران وارد ساخت. و تأثیرات بسیار وخیم و هولناک در روحیه مردم بر جای نهاد که از همه شوم‌ترین پایدارترین باید از انحطاط اخلاقی و سقوط معنوی یاد کرد. اخلاق عمومی به گونه‌ای تباہ شد که ایمان و دلاوری و عفت و شجاعت و صراحت لهجه و کلیه فضایل معنوی از میان رفت و قضا و قدر را در همه کارها دخیل دانستند. تعجب نیست که در چنین فضای لرزان و لغزان و پر بیم و نا آرام و آکنده از آشوب شاعری مانند ابن حسام جز در مقام احتیاج و اضطرار از مردم روزگار چیزی نمی‌خواهد و با فرمانروایان عصر هیچگونه ارتباطی ندارد.

تلاشها، کوشش‌های شائرنه ابن حسام در ارائه سرمشق منطبق با شرایط و اوضاع احوال عصر در عین آن که از سویی می‌تواند فرار از واقعیت‌های ناپسند در یک عصر انحطاط محسوب شود، اما از سوی دیگر تصویرهای زنده و جاندار از اوضاع و احوال حاکم بر روزگار حیات او نیز هست و مجرد روی آوردن شاعر به ملک قناعت و دنیای پاک و مصفا‌ی زهد و پارسایی و مدح و منقبت سرایی خاندان پیامبر و ائمه عصمت و طهارت، از علاقه باطنی شاعر به فضیلت و معنویت و معرفت نیز حکایت می‌کند. از این رهگذر است که اشعار ابن حسام از حیث محتوی بر معارف مذهبی و مدح و منقبت پیشوایان شیعه و ائمه اطهار، از نوعی امتیاز و استقلال و شیوه بیان شاخص از دیگر شاعران بر خوردار است و در عین آن که از ملال‌انگیزی مدایح دیگر شاعران در دیوان اشعار او خبری نیست - و این خود مزیتی افتخار آمیز برای اوست - مهارت و استادی او در منقبت سرایی نمایان و آشکار می‌سازد و آویختن باورداشت‌های شرعی به مضامین شعری، بر استحکام اشعار او افزوده و از این رهگذر نیز اشعار مضیح و هموار او از نارسایی و بی‌اندازی به کلی عاری است. (دامادی، ۱۳۸۰: ۷۸)

"آثار ابن حسام"

- ۱- دیوان اشعار: قصاید، غزلیات، ترجیع بند، مثنی، مرتع، ملمع و لغز که موضوع آن اشعار غالباً حمد و نعت خدا و رسول و منقبت اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. واقعه کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام در شعر او جایگاه قابل توجهی دارد. وی در به کار بردن قوافی و ردیف‌های دشوار، التزام‌های هنرمردانه و به طور کلی قصاید و اشعار مصنوع نیز مهارت کافی داشته است.
- ۲- خاوران نامه: منظومه‌ای است حماسی و دینی به بحر متقارب - به تقلید از شاهنامه فردوسی - در شرح غزوات حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام و دلاوریهای ایشان و یارانشان که از بهترین نمونه‌های حماسی دینی می‌آید.
- ۳- نثر اللالی: ترجمه منظوم شماری از کلمات قصار حضرت علی علیه السلام که شاعر در این کار به رساله معروف رشیدالدین وطواط، نثر اللالی من کلام امیرالمؤمنین علی، نظر داشته و هر «کلمه» را در یک بیت به نظم آورده است.
- ۴- دلایل النبوه و نسب نامه: ذکر دلایل نبوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و نسب نامه آن حضرت تا حضرت آدم علیه السلام به صورت منظوم که در ضمن دیوان او به طبع رسیده است. (رزم آرای رودی، ۱۳۸۰: ۹۶)

«خاوران نامه»

خاوران‌نامه یا خاورنامه داستان جنگ‌ها و دلاوری‌ها حضرت علی (ع) و یاران آن حضرت است، مانند مالک اشتر، ابوالمحن، عمرو بن معدی کرب، عمرو بن امیه که نام‌های آنان در جنگ‌های صدر اسلام و جهان‌گشایی‌های خلفا مکرر آمده و به گوش شیعیان آشناست.

خاوران‌نامه شامل جنگ‌های حضرت علی (ع) و سرداران آن حضرت است با قباد نام، شاه خاوران و دیگر پادشاهان بت پرست مانند طهماس شاه و صلصال شاه. این جنگ‌ها برای ترویج اسلام و برانداختن کفر در خاور بر پا شده است.

ابن حسام می‌گوید: موضوع منظومه حماسی خود را از کتابی به زبان عربی گرفته است:

شماری را عقیده بر آن است که گویا این افسانه‌ها ریشه و اساس کهن ایرانی داشته است؛ سپس با تغییراتی که در آن‌ها داده شده، به حضرت امیر منسوب شده است.

به هر حال خاوران‌نامه ابن حسام منظومه‌ای است متصل در حدود ۲۲۵۰۰ بیت در بحر متقارب. بیشتر پژوهندگان، خاوران‌نامه ابن حسام را بهترین تقلید شاهنامه فردوسی دانسته‌اند. این مثنوی حماسی و مذهبی، برابر نسخه‌ای است که از آن در دست است، چنین آغاز می‌شود:

سخن نقش بستم به نام خدای	نخستین برین نامه دلگشای
خداوند بخشنده مهریان	خداوند هوش و خداوند جان
گوا بود بر هستی اش هرچه هست	یگانه خداوند بالا و پست
دل و دانش و هوش و جان‌آفرین	سپهروزمین و زمان آفرین
گشاینده ذهن چابک خرام	خرد بخش اندیشه تیزگام
فرازنده پرده سیم دوز	فروزنده شمع گیتی فروز
برآرنده صبح از ایوان بام	نگارنده خال مشکین شام
فروزنده انجم و ماه و مهر	رسد بند طاق و رواق سپهر
(ابن حسام، ۱۳۸۱: ۲۳)	

پس از حمد و ثنا و مناجات، به نعت رسول اکرم (ص) و آل گرامیش - علیهم الصلوٰة و السلام - می‌پردازد و در توصیف آثار قدرت پروردگار، تمام فصول و ماه‌ها را یک به یک با شرح و بسط تمام بیان می‌کند و پس از ذکر مقدمات، به آغاز کتاب و داستان اصلی خاوران نامه اشاره می‌کند.

حضرت علی (ع) در خاوران نامه:

حضرت علی (ع) قهرمان خاندان حضرت محمد (ص) است که بر جامعه جاهلیت می‌شورد و مردانه با هر گونه ستم و تباهی به ستیزه بر می‌خیزد، و در سخت‌ترین جبهه نبرد می‌جنگد. و در عین حال بر بدترین دشمنانش با "قدرت" می‌بخشاید. عفو با قدرت - و مهربان‌ترین یار درماندگان است. و او که اولین مسلمان است همیشه و در همه حال در کنار پیغمبر خود حضرت محمد (ص) آماده و جان بر کف است زیرا مقتدا و پیشوای او از پروردگاری سخن می‌راند که "محبّ المحسنین" است و "ارحم الراحمین" است و "و غفار و رحیم" است، و در عین حال از کردگاری خبر می‌دهد که: "اشدّ المعاقبین" است و "جبار و قهار و احکم الحاکمین" است.

پروردگار یکتایی که بر هیچ کس بی سبب نظر بیش ندارد و هیچ موجودی را دشمن خویش نخواهد، همگان را یکسان می‌آفریند، بر همگان یکسان فرمان می‌راند، حق پذیران را به خود نزدیک می‌گرداند، و سخت دوست می‌دارد، و کژاندیشان را بر عقوبت سخت تباہ می‌سازد. نه ذره‌ای نیکی را از یاد برد دونه ذره‌ای ناروایی را نادیده انگارد. پروردگاری که انسان را مسئول سرنوشت خویش و امانتدار امانت خود می‌خواند، و او را چنان بلند مرتبه می‌گیرد که فرمان می‌دهد تا در روی زمین بر جای حق نشیند و با ناروای‌ها بسبزد، و شمشیر او را مقدّس می‌شمارد و هر ضربه شمشیرش را که در راه حق فرود می‌آید بر عبادت ثقلین برتری انسان را بر جهاد و دفاع از حق قرار می‌دهد و صریحاً "فضل الله المجاهدین علی القاعدین" را برای همه زمان‌ها و مکانها اعلام می‌دارد. نقش حضرت علی (ع) در نهاد دین:

به تدریج که دامنه روابط اجتماعی افراد گسترده می‌شود، هر کس با گروه‌ها و اجتماعات مختلف ارتباط پیدا می‌کند و به عضویت در آن گروه‌ها در می‌آیند. طبیعی است که عضویت در هر جامعه‌ای به هر نوع و با هر درجه‌ای از پیوند که باشد برای انسان نقش‌های اجتماعی معینی ایجاد می‌کند که عبارت است از نحوه تفکر و احساس و رفتار انسان در آن گروه یا جامعه خاص. منظور از نقش اجتماعی (social role) یکی از فعالیتهایی است که شخص در جامعه به عهده دارد (و ثوقی، نیک خلق، ۱۳۷۷: ۲۱۵). و همچنین «مجموعه‌ای متشکل از عقاید و افکار، رفتارها و روابط میان افرادی که در اطراف یک موضوع اجتماعی در یک گروه شکل گرفته باشند.» نهاد نامیده می‌شود. (همان کتاب: ۴۹)

حضرت علی (ع) که مظهر قدرت و دلاوری است از طرف پیغمبر خود حضرت محمد (ص) مأموریت می‌یابد که بر سرزمین خاوران بیاید و شاهان بیدادگر و مردمان آن سرزمینان را که راهی به جز خداپرستی و یکتاپرستی در پیش گرفته بودند را هدایت کند و آن‌ها را به دین بزرگ اسلام مژده دهد. علی (ع) این نقش را در نهادهای مختلف اجتماعی به خوبی ایفا می‌کند و در موقعیت‌های مختلف به درستی عمل می‌نماید و در مبارزات خود در نهاد دین هم موفق و پیروز و سربلند بیرون بیاید.

حضرت علی (ع) قهرمان حماسی خاوران نامه یکتا پرست و اسلام پرست است و به همین دلیل به خاوران می‌آید تا مبلغ دین اسلام شود و کفر را در آن جا ریشه کن نماید و عدل و ایمان را در آن سرزمین کفر اشاعه دهد.
آیت ستر خوان - دیو ستیز:

حضرت امیر در خاوران نامه مصاف‌های زیادی با دیوان و موجودات افسانه‌ای داشته است و این همان باور دینی اسلامی است که باید با هر نیروی اهریمن ستیزی که مظهر پلیدی است مبارزه نمود. چنان که ابلیس دشمن قسم خورده ماست که ما را از راه بدر می‌کند و چنانکه حضرت امیر (ع) در چنین مواقعی آیه ستر را می‌خواند تا از شر موجودات اهریمنی در امان بماند، انسانهای مسلمان نیز باید، با تمسک به قرآن کریم و اهل بیت پیامبر (ص) گمراه نشوند و از وسوسه‌های شیطانی در امان بمانند. در یکی از مصاف‌هایی که حضرت با موجودات افسانه‌ای داشته، هاتقی به او ندا می‌دهد که آیت ستر را بخوان و بر خود بدم تا خداوند تو را از غم برهاند.

ز بالا یکی هاتف آواز داد	به امید نیکی دلش باز داد
که اکنون خدایت رهاند ز غم	بخوان آیت سترو بر خود بدم
چو حیدر بدین گونه پاسخ شنید	بخواند آیت سترو بر خود دمید
سیاهی برفت از سر کوهسار	شد از تیرگی روشنی آشکار

(همان: ۱۰۷)

یکتا پرست:

حضرت علی که اولین مسلمان مرد می‌باشد، چنان به خداوند یکتا ایمان و اعتقاد دارد که در راه رضای خدا به مجاهده پرداخت و در این راه هیچ کدام از اهرمهای قدرت نتوانست او را از سر عقیده و ایمانش باز دارد زمانی که شاهان خاور زمین مانند پیروز شاه و صلصال شاه و... و به او وعده و وعید می‌دهند که اگر دست از خدای یگانه خو برداری، خدایان ما که چهار صد نفر هستند بر تو رحمت می‌آورند و تو راصاحب جاه و نعمت می‌کنند و حضرت در مقابل یاهو گویی‌های اینان به نبرد می‌پردازد:

اگر باز گردی تو از دین خویش	بمانی ره و رسم آیین خویش
خدایان ما بر تو رحمت کنند	ترا صاحب جاه و نعمت کنند
بر آشفت از و حیدر نامدار	بزد دست بر دستة ذوالفقار
چو آن آتش آگون بر کشید	زبانہ به اوج فلک سر کشید

(همان: ۹۴)

همچنین زمانی که یکی از لشکریان طهماس شاه به داشتن خدایان سیصد و شصت تایی خود افتخار می‌نماید، حضرت امیر از این حرف او آشفته می‌شود:

که من سیصد و شصت دارم خدای	بر آشفت	بسند این خدایان مرا رهنمای	یکی تیغ
از او شاه مردان علی	ی	زد بر سر سر ساحلی	

و طهماس شاه که مشاهده گر این وقایع بود از ترس بر خود لرزید.

بلرزید طهماس چون برگ بید	ببرید از جان شیرین امید
--------------------------	-------------------------

(همان: ۱۱۷)

اسلام پرست:

حضرت امیر که جهادش رای، برپایی دین اسلام بود در هر مبارزه‌ای که با دشمن دارد، از دشمن می‌خواهد که به یگانگی خداوند اقرار کند، از جمله این جنگ‌ها که مصاف آن حضرت بازنگیان بود، به محض شکست خوردن سالار زنگ، از او می‌خواهد که برای

حفظ جانش و در امان ماندن از تیغ شمشیرش به یگانگی خداوند لبیک بگوید و در آن صورت است که حضرت شاد می‌شود و دشمن مسلمان شده در امان و پناه می‌ماند:

تو اکنون مقرر شو به پروردگار	که تا باشی از تیغ من رستگار
چو بشنید زنگی بخندید سخت	مسلمان شد آن شاه پیروز بخت
ز اسلام او شد علی شاد و کام	از و بند بگشاد و پرسید نام (همان: ۴۴)

و در جای دیگر حماسه خاوران نامه می‌خوانیم که یاران حضرت علی (ع) که در ساحل دریا بودند به عده‌ای از کشتی سواران می‌گویند که به جای دادن عشر مال، فقط بهتر است که به دین اسلام در آید تا از دادن مالیات معاف شوید:

نخواهد علی از شما سیم و زر	ببندید فرمان او را کمر
همه پیشش آید و مومن شوید	و زان پس همه شاد و ایمن شوید
ز کشتی سوی حیدر رزمخواه	گرانمایگان بر گرفتند راه
نهادند گردن به فرمان بری	به آیین اسلام پیغمبری
	(همان: ۱۲۴)

نقش حضرت علی (ع) در نهاد سیاست:

همان‌طور که گفتیم منظومه حماسی دینی خاوران نامه که شرح رشادت‌های حضرت علی (ع) است. جنگ‌هایی را که حضرت برای کفر ستیزی در خاوران زمین با کافران نموده بود را بیان کرده است و نقش بر جسته و کلیدی که آن حضرت برای احیای دین اسلام بر عهده داشته است را در نهاد دین تا اندازه‌ای توضیح دادیم ولی از آن جایی که جنگ‌ها مربوط به نهاد سیاست می‌شود و خط و مشی‌های سیاسی را در بر می‌گیرد بنا بر این جنگ‌های حضرت علی (ع) و یارانش به ویژه نقش بر جسته حضرت علی (ع) را در این نهاد سیاسی بررسی می‌کنیم:

حضرت علی (ع) در لشکر کشی به خاوران به اصولی معتقد بود که گرد آمدن همان اصول باعث شد که فرماندهی او در میدان نبرد و فعالیت‌های نظامی اش پیروزی حتمی را بدست بیاورد. اصول نبرد همین اصول هفتگانه‌ای است که ژنرال فولر در کتابش (گردش نبرد) از آن‌ها نام می‌برد.

- ۱- پایداری در هدف ۲- امنیت در کار ۳- حرکت ۴- به خدمت گرفتن نیروی تهاجمی ۵- اقتصاد نیرومند ۶- سپاه نیرومند
- ۷- ضربه ناگهانی (تلاش، بی: ۵۴۵)

حضرت امیر (ع) با قاطعیت و استواری و ثبات قدم در راه هدفش که همان اسلام ناب محمدی بود با دشمنانش می‌جنگید و برای رسیدن به اهدافش استراتژی خاص خودش را داشت و استراتژی عبارت است از: فن در اختیار گرفتن نبرد، به عنوان وسیله‌ای برای دست یازی به هدف جنگ. (همان کتاب: ۵۵۰)

حضرت علی (ع) در نهاد سیاست بسیار هوشیار بود و تمام جوانب امر را می‌سنجید و همین امر او را فرمانده‌ای یگانه و بی‌مانند کرده است. قهرمان حماسی ما در خاوران نامه علیرغم اینکه جهاد او در راه نشر دعوت اسلام بود و در عین حال در همین وظیفه تنها محدود نماند، بلکه آنچه را در این مجال به جای آورد حتی امروز نیز چیزی جز شهادی زنده بر نبوغ و هوشیاری قهرمان ما، در آیین نبرد نمی‌تواند باشد زیرا حضرت امیر بر دشمنان داخل جزیره و خارج آن، بدان سبب پیروزی نیافت که دارای سربازانی جرار، و موقعیت اقتصادی محکم بود، بلکه تمام مصادر نیک تاریخی برنقیض این اندیشه دلالت دارند، و بر ما ثابت می‌کنند که سلاح دشمنان بسیار برتر و نیروهای مسلح شان بیشتر و موقعیت اقتصادی شان محکم تر بود، اما حضرت امیر (ع) در حماسه خاوران نامه به سبب به کار گرفتن شیوه خاص نبرد، و نیز به یاری نیروی ایمانی که در نهاد یاران خویش بوجود آورده بود، توانست بر مشرکین و کفار سرزمین خاوران برتری یابد و نیروی دشمن را در هم شکند. زیرا پیروان او، یاران عقیدت. و رسالت بودند و بر ایشان واجب

بود که برای ابلاغ آیین شان بر تمام خلق پایداری و جهاد کنند. حضرت علی (ع) در این سرزمین به برکت آیین پاک اسلام، اصول نظم اجتماعی و وحدت جمعی را در میان آنان استوار کرد و اندیشه‌های مسلمین را از بسیاری از اوهام و خرافات و ظلم و خشونت‌های بخت‌ساز و وضع مردم اجتماع را بهبود بخشید و مردم زبون را از احترام و عزت نفس بر خوردار کرد و اعتدال و تقوایی به وجود آورد. و دین را چنان تعریف کرد که همگان از پذیرفتن آن مانعی ندیدند.

جنگ روانی:

حضرت علی (ع) با نقشی همه جانبه که در جنگ‌ها به کار گرفته بود، از هر سلاحی که توانست در اختیار گیرد، آن چنانکه با وجود نبرد همه جانبه که در تمام جبهه‌ها جریان داشت، جنگ روانی نیز با شدت فراوان مورد استفاده بود، جنگ‌های مسلحانه نتیجه عوامل نظامی، اقتصادی و روانی است و همین است که به "نبرد همه جانبه" تعبیر می‌شود.

جنگ روانی بر ضد "اندیشه" و "ایدئولوژی" و "شجاعت" و "اعتماد به نفس" و "جنگ طلبی" به کار گرفته می‌شود، این عوامل تنها برای حمله مورد استفاده نیستند، بلکه برای دفاع نیز به کار گرفته می‌شوند، اما قصد آن در دفاع تلاش برای ساختن روحیه ملی است و ایجاد روحیه تازه در سربازان، درست به همان صورت که برای در هم شکستن روحیه دشمن در جهت دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. حضرت علی (ع) نیز از شیوه "جنگ روانی" در بزرگترین نبردهای خویش سود می‌جست، تا آنجا که با ایجاد ترس و رعب بر دشمن پیروزی می‌یافت. چنان که حضرت امیر در آرامگاه چنان نعره‌ای از جگر می‌کشید که لرزه بر اندام لشکر خاور زمین می‌افتاد:

بر انگیخت و اول در این رزمگاه	چنان	همیراند تا قلب خاور سپاه	تو گفתי
نعره‌ای از جگر بر کشید	بجنبید از آواز او	جگرها بخواهد درید	بر افتاد لرزه به
دشت کوه	رمیدند اسپان جنگی ز دشت	خاور گروه	فلک را تو گفתי نگون
..		کشت طشت	

(ابن حسام: ۹۰)

همچنین شاه خاور در حضور درباریان خود زبان به اعتراف می‌گشاید که شب‌ها از هیبت علی (ع) خواب به چشم ندارد چرا که تاب نبرد با او را ندارد:

شب از بیم حیدر مرا خواب نیست	ز خاک	به آورد با او مرا تاب نیست	کمر بست
عرب با سپاهی چنین	اگر دست یابد به	و آمد به خاور زمین	بر آرد ز خاور زمین
شمشیر تیز	..	رستخیز	(همان):
		(۸۷)	

دشمن شکار:

شجاعت حضرت علی (ع) در تمام نبردهایی که انجام داد و از موقعیت‌های مخاطره آمیزی که براو روی آورد روشن است که تصمیم در پذیرش جنگ با دشمن از شجاعت بی مانند او حکایت دارد. و در بستر جنگ‌ها شخصا فرماندهی سپاه را بر عهده داشت و شجاعت برتر از وصف در جبهه مقدم می‌جنگید. در جنگی که حضرت با زید، سالار لشکر شاه خاوران داشت به خوبی توانست دشمن را سرنگون کند به طوری که زید از میدان رزم گریزان می‌شود و به نزد شاه خاور برمی‌گردد و به او می‌گوید که تاب مقاومت با این مرد جنگجو و شجاع را نخواهد داشت. تاکتیک و استراتژی حضرت در جنگ با «زید» این بود که وقتی فهمید زید با لشکرش از دروازه بیرون آمده است صبر کرد تا دشمن به تنگناهای دشت هامون برسد سپس به شمشیر بگشاد دست:

از آن پس به شمشیر بگشاد چنگ	زمین را یکی شد شتاب و درنگ
به نیروی بازو و شمشیر تیز	بر آورد از آن کافران رستخیز
ز آسیب نعلش زمین خسته بود	ز خون یلان خاک رخ شسته بود
..	(همان: ۵۶)

به معنای واقعی حضرت امیر (ع) در خاوران نامه "دشمن شکار" است چرا که او در نبرد هایش موقعی پیش می‌آمد که با دستان تهی از شمشیر، دشمن را به واسطه پنجه‌های آهنینش شکار می‌کرد. از جمله در نبردی که حضرت با "اشتم" داشت شمشیرش شکست و این قهرمان بزرگ با دستان تهی با دشمن جنگید.

به سر پنجه آهنین چون پلنگ بکردار شاهین
که از شاخ سرو گرفتی کمرگاه مردان کین
زدی مرد را بر سواری دگر
که بر غرم زور آورد روز جنگ سر
پنجه اند ریاید تذرو ربودی به
آسانی از پشت زین بینداختی نامداری
دگر .. (همان):
(۵۸)

خیبر گشایی:

حضرت امیر (ع) در جنگی که با شاه خاوران داشت، با قدرت و نیروی بدنی که داشت توانست دروازه شهر را از جا در بیاورد. چنانکه در اسلام خوانده بودیم که حضرت علی (ع) قلعه خیبر را فتح می‌کند، از این رو حضرت علی (ع) در این حماسه دینی هم که هر جا دروازه و قلعه‌ای فتح می‌کند به نام قلعه خیبر است. و به همین سبب است که به او خیبر گشای می‌گویند. عامل پیروزی حضرت در جنگ‌ها علاوه بر داشتن قدرت بدنی و هنر جنگ آوری، داشتن روحیه عالی است. عوامل روانی یکی از عناصر مهم پیروزی در هر نبرد است. تصمیم به داشتن روحیه نیرومند از جهات مهم پیروزی است. آن سپاهی که بزرگترین خسارت‌ها را از حیث نفرات و سلاح بر دشمن وارد کند، پیروز نیست. بلکه پیروز آن کسی است که روحیه دشمن را در هم شکند. حضرت امیر (ع) هم وقتی که توانست دروازه شهر را از جا بکند و به شهر وارد شود، ترس بر همگان مستولی می‌شود و مردم شهر هم مسلمان می‌شوند.

لشکر آرای: به دروازه آمد همانکه علی
یکی از اصول بزد دست و برداشت آن در ز جای
که قبلا ذکر در کار است
بیا زید بازو و چنگ یلی
به نیروی بازوی خیبر گشای
(همان: ۶۱)

سپاهی نیرومند می‌توان ضربه ناگهانی را بر دشمن وارد نمود. حضرت علی (ع) برای پیشبرد اهدافش و تفوق بر دشمن، نیروی کافی برای در هم کوبیدن دشمن را فراهم می‌ساخت. بنابراین حضرت علی (ع) تصمیم می‌گیرد که برای پیروزی بر تمام خاوران، سرداران سپاهش را به چهار گروه تقسیم نماید. و سپاهی را در اختیار هر کدام از سپهبدان قرار دهد و هر کدام را به راهی بفرستد که این کار علی (ع) همان استراتژی سیاست امور نظامی است و بر ما روشن می‌شود که نقش حقیقی آن توجه به همه امکانات یک سرزمین، و بهره‌گیری از آنها، و یا بهره‌گیری از نیروی اعضاء هم پیمان است و منظم ساختن این امکانات جهت بهره‌گیری هدف سیاسی نبرد. و این استراتژی عالی حضرت به قصد در هم کوبیدن یکان‌های جنگی دشمن و در هم کوبیدن روحیه دشمن بود:

حضرت علی (ع) و یارانش برای رسیدن به هدف بزرگی که داشتند به نبرد با سران کفر پرداختند چرا که "جهاد" عالی‌ترین نشانه اسلام است، و تنها راه انتشار این آیین بر عموم جهانیان. حضرت علی (ع) که از طرف پیغمبر بزرگ اسلام حضرت محمد (ص) مأموریت یافته بود تا بر دیار کافران بتازد و در صورت عدم پذیرش آنان از اسلام با آنان جهاد نماید به نیروی ایمانی که نهاد آنان بود توانستند بر مشرکین برتری یابند و نیروی دشمن را در هم شکنند، چون سرباز به هدفی که برای رسیدن بدان می‌جنگد مومن باشد و به عادلانه بودن آن وظیفه ایمان داشته باشد، قادر است که معجزه‌ای بر پا کند. و پیامبر بزرگ اسلام (ص) یاران خویش را به سلاح ایمان مجهز ساخت و یاران خویش را به دادگرانه بودن راهی که بر گزیدند، و برای تحقق آن نبرد می‌کردند مومن ساخت آنچنان که پیروزی را در نبرد مسلحانه با دشمنان مشرک خویش بر خود یقین می‌دانستند، زیرا برایشان حتم بود که پروردگار، ممکن نیست که هرگز از مومنی دست بردارد با این گفتار صریح پروردگار متعال که پیروزی مسلمین بر ما حق است. به همین دلیل و پایداری در هدف و رسالتی که بر عهده حضرت امیر (ع) نهاده شده به جنگ با کافران پرداخت و با شمشیر

ذوالفقار ش امان از دشمن بر گرفت. از جمله کسانی که از سپاه اسلام در جنگ خاوران شکست خوردند می‌توان شکست خوردن نوشادو اردشیر را به دست حضرت امیر (ع) نام برد.

خاور گشای:

حضرت علی (ع) در حماسه خاوران نامه، از آن جایی که نبردهای زیادی با کافران آن سرزمین می‌نماید، با مدد الهی قادر می‌شود که خاوران زمین را به تصرف خود و لشکریان اسلام درآورد از این رو در این حماسه او را خاوران گشای هم می‌گویند و در این نبرد هایی که انجام میدهد سلاح بسیاری از دشمنان را شکسته است و آن‌ها را مغلوب ساخته است چرا که در بسیاری از نبردها، فرمانده سپاه ناچار می‌شود تا دشمنانی را که پشت سر ایستاده اند، که دوباره جامعه را به راه اولش بکشانند، تصفیه کند و چون حضرت علی (ع) دریافت که دشمن کینه توز نهضت اسلامی را باید از سر راهش بردارد حتی یک لحظه نیز برای از بین بردنشان تردید نکرد تا نهضت به پیش بتازد و در بر انگیزختن روح حماسی و ایجاد انگیزه شدید بر واقعیتی که برای آن می‌جنگد، و تا حصول نهایی آن باید بکوشند، همه افراد سپاهش را در حالت بیداری انقلابی نگه می‌داشت. پهلوانان بزرگ سپاه اسلام از جمله: مالک رزم ساز، ابوالمحجن، سعد دلاور و... چون به هدف و رسالتی که داشتند، همیشه در کنار حضرت بودند و دلاورانه جنگیدند. با انصاف و عادل:

حضرت علی (ع) در نهاد سیاست بسیار موفق بود زیرا ایمان به رسالتش را در هیچ حالی فراموش نکرد در فرماندهی سپاه هیچگاه مغرور نشد و برای به انجام رساندن رسالتش از هیچ امری کوتاهی نکرد، اگر بخواهیم منطقی و با دانش به نبردهای حضرت علی (ع) نگاه کنیم خواهیم دریافت که همه آن‌ها مقارن با "انصاف" بود، و نبرد هایی بود در نهایت عدالت. زیرا نبرد عادلانه چنان که می‌دانیم نبردی است در راه از بین بردن جنگهای میهنی، و یا از میان برداشتن ستم، جور و استبداد و بیدادگری، و واژگون ساختن پایه‌های نادرست اجتماعی و بدین ترتیب حتی یک نشانه نبرد در میان نیست که امیر مومنان برای دشمنی شخصی با یک تن جنگیده باشد. حضرت امیر (ع) حتی در زمانی که دشمن شکست می‌خورد و رو به فرار می‌گذاشت هرگز در پی آنان نمی‌رفت.

چنین بود رسم علی روز جنگ نرفتی ز که بر دشمنش چون شدی کار تنگ اگر چند دنبال مرد گریز بودی سرش بر ستیز
(همان: ۹۴)

نقش حضرت علی (ع) در نهاد اقتصاد:

حضرت علی (ع) در نهاد اقتصاد، نقش به سزایی داشتند هر چند که اکثر یاران ایشان که از جزیره العرب برای به انجام رساندن هدفی بزرگ و مهم ترک و دیار کرده بودند و از خانواده خود دور شده بودند و این همه عشق و فداکاری به سلاح ایمان و اعتقاد راسخ قابل فهم است ولی از آن جایی که در این جنگها اگر پیروزی دست می‌یافتند به غنائم زیادی هم دست می‌یافتند انگیزه‌ای شد تا کسانی هم که ایمان شان هنوز به مرحله پختگی نرسیده بود همراه و یاور آن‌ها در این نبرد باشند؛ حضرت امیر (ع) به اولین استراتژی که در این سفر به خاوران زمین داشتند این بود که ابتدا سپاه خود را در جایی آباد اسکان داد و آنجا را پایگاهی برای نشر فعالیت‌های خود قرار دهد. بنابراین به اولین جای خرم و آبادی که می‌رسد در آن منزل می‌گزیند

و در جنگی که با شاهان خاوران زمین می‌نماید، غنائم و کیسه‌های سیم و زر فراوانی بدست می‌آورند و تا جایی که می‌دانستند به آبادانی شهرها می‌کوشیدند و حتی به مردمی که از نظر مالی در مضیقه بودند کمک می‌کردند تا به این وسیله هم تألیف قلوب کرده باشند و آن‌ها را بیشتر با دین اسلام آشنا نمایند دینی که گرمی ترین کس در نزد خدا با تقوی ترین آنهاست و فاصله طبقاتی در آن کم رنگ است و مردم زبون را عزت و احترام بخشید. در نهاد اقتصاد، حضرت امیر (ع)، ((نبرد اقتصادی)) را استراتژی مهم و عامل خود می‌دانست زیرا هرگاه که می‌توانست دشمن را از فعالیت اقتصادی باز دارد، نصف راه را برای پیروزی طی شده می‌دید. و کوشید برای تسلط بر حاکمان خاور زمین اموال آنان را مصادره نماید و حضرت امیر (ع) اهمیت اقتصادی و نقش آن را در پیروزی نبرد مسلحانه به خوبی دریافت کرده بود. حضرت علی (ع) در ورود به خاوران زمین با میر سیف رو به رو می‌شود و با او می‌جنگد و او را به اسارت می‌گیرد و با بسیاری از مال و خواسته به سوی مکانی آباد به راه می‌افتند. هر چند که بعد ها میر سیف از یاران خوب حضرت در می‌آید و مسلمان می‌شود.

سخاوتمند:

در جایی از خاوران نامه می‌خوانیم که حیدر کرآر زمانی که یکی از لشکریان به او مژده آمدن ابوالمجن و مالک را می‌دهد. به او عنوان مژدگانی سه هزار درم می‌دهد:

بر حیدر آمد یکی مژده خواه	که ابوالمجن و مالک آمد ز راه
سپهد چو بشنید بناخت کوس	ز گر دیلان خاک شد آبنوس
یکی اسپ و با آن درم سه هزار	بدو داد با جامه شاهوار

(همان: ۷۹)

در جایی از خاوران نامه می‌خوانیم که یاران حضرت علی (ع) بر کنار ساحل هستند عده‌ای از کاروانیان که با کشتی تجارت می‌کردند؛ شکوه ناله سر می‌دهند که برای عبور از این آبراه باید یک دهم از مال خود را بدهند تا بتوانند از آن آبراه حق گذر پیدا کنند، علی (ع) و یاران حضرت هم که آن منطقه ساحلی را امن کرده بود و از وجود ظالمان پاک کرده بود به آن‌ها می‌گوید که احتیاجی به دادن یک دهم مالتان نیست فقط مجوز عبور شما از این آبراه حیاتی این است که به دین اسلام بگرایید و این همان نبرد اقتصادی هست. که حضرت با رشادت‌ها و پهلوانی‌هایی که انجام می‌دهد شریان حیاتی آبراه کشور خاور را بدست می‌گیرد و از اهرم اقتصادی برای پیشبرد اهدافش که همان احیای دین اسلام است استفاده می‌کند.

مکتشف شهر زرین:

چو بگذشت حیدر ز سنگ سیاه ..	سوی شهر زرین همی جست راه ..
-----------------------------	-----------------------------

(همان: ۱۴۵)

نقش حضرت علی (ع) در نهاد تعلیم و تربیت:

علم آموز:

در عین اینکه حضرت علی (ع) در نهاد تعلیم و تربیت، نقش بارز و مشخصی را به عهده داشتند و فرماندهی سپاه بر عهده او نهاده شده بود از طرف دیگر فرمان پذیر هم بود، زیرا آن حضرت به درخواست رهبر انقلابی خود یعنی حضرت محمد (ص) به خاوران زمین لشکر کشیده بود و با داشتن رهبری بزرگ همچون محمد (ص) است که حضرت علی (ع) چنین رشد می‌نماید و در عمل خود خلوص پیدا می‌کند و در توجیحات عملی خود که همگی را از مکتب آن پیغمبر بزرگوار فرا گرفته بود به درستی و هوشیارانه عمل می‌نماید. در خاوران نامه زمانی که حضرت علی (ع) می‌خواستند از رودی عبور کنند چون به مسیر رود آشنایی نداشتند از این رو از یک نفر می‌خواهد که او را در مسیر رودخانه راهنمایی کند و راه بلد او باشد. یعنی اینکه او در عین هوشمندی و نبوغ، در جایی که لازم می‌دیدند دچار غرور نمی‌شدند و کمک می‌طلبیدند و هرگز به راهی که آگاهی نداشت نمی‌رفت زیرا یکی از معیارهای پیروزی فرماندهان در جنگ‌ها این است که به موقعیت‌های جغرافیایی منطقه باید آشنا باشند.

علی گفت از ایدر یکی راه بر	بیاید که با من ببندد کمر
بدانجا مرا راهنمایی کند	به آب اندرون آشنایی کند
مرا بگذراند برین رودبار	رساند به نزدیک آن کوهسار

(همان: ۱۰۶)

و یا اینکه در عالم خواب حضرت می‌آموزد که برای پیشبرد اهدافش در نبرد با شاهان سرزمین خاوران باید لشکریان را به چند قسمت تقسیم کند و هر گروه را با سپهدی دلیر به راهی روانه کند که تا هر گروه از لشکریان بتوانند امور مربوط به نبرد را رتق وفتق دهند.

حضرت علی (ع) و توجیحات عملی او:

غرض از توجیحات عملی، توجه به حرکات سپاه و تنظیم آن است. که از عالی‌ترین کارهای رهبری سیاسی و نظامی است و در این مورد نیز حضرت امیر (ع) توجیحات عملی و چگونگی حملات را بر فرماندهان سپاه دستور می‌داد و احیاناً برای سرداران لشکرها و موقیت‌ها نیز اندرزی را که به کارشان آید می‌داد.

در نبرد با شاه خاور زمین به قنبر تعلیمات بسیاری می‌دهد و او را روانه می‌کند که به سوی میرسیاف برود و در کنار هم و آگاه و هوشیار و بیدار بمانند و مراقب و نگهبان دز باشند:

به لشکر گه آمد به کردار باد	به قنبر چنین گفت کای شیرزاد
سپه را بجنبان وبر کش براه	برمیر سیاف شو با سپاه
همان جا فرود آی و بیدار باش	سپه را و دز را نگه دار باش

.. (همان: ۷۵)

حضرت علی (ع) حتی در مقابل دشمن، ابتدا به پند و نصیحت می‌گشود و سعی او بر این بود که با ارشاد کردن او را از بت پرستی باز دارد، زیرا حضرت سخت به جلوگیری از خونریزی آزمند بوده است. اما وقتی می‌دید که خصم از دشمنی دست بر نمی‌دارد آنگاه نیروی اسلام را چاره‌ای جز توسل به نیروهای مسلح نبود. مهمترین اصل در حرکت او روح گذشتی بود که آشکارا در توجیحاتش متجلی است و نیز در پندهای او و در اخلاق کریمه‌اش، که برترین اخلاق نظامی است و بهترین مطلبی را که می‌توان بدان اشاره کرد، بازداشتن سربازان از زیاده روی و پیمان شکنی، مثله کردن و کشتن اطفال و زنان است. و دیگر اینکه حضرت علی (ع) در فرامین عملی خویش، اتخاذ تصمیم را به فرماندهان سپاه می‌سپرد که برحسب موقعیت عمل کنند و در این مورد از ایشان می‌خواست که برای چاره مشکلاتی که برایشان روی می‌آورد به مسئولیت شخصی عمل کنند تا رهبران سپاه و امراء لشکر را وادارد، که از خطا و لغزش دوری کنند، و ایشان را در کارها آزاد گذارند بی آنکه قیدهایی یا محدودیت‌هایی را برای آن‌ها ایجا کنند، و این متنهای دانایی و دوراندیشی بود و انتخاب این پایگاه نیز انتخاب بس درستی بود. حضرت علی (ع) در توجیحات عملی خود حتی با فرماندهان سپاهش هم مشورت می‌کرد:

نصیحت گر- هدایت گر:

حضرت امیر (ع) در خاور زمین به دلیل رسالتی که بر عهده داشت مهمترین کاری که در راس همه برنامه‌هایش داشت این بود که با پند و نصیحت مردمان سرزمین کفر به دینداری و یکتا پرستی آشنا سازد، به همین دلیل جدای از اینکه او قهرمان و پهلوان سپاه اسلام بود نقش مربی و آموزگار را هم به عهده داشت. به همین دلیل شعار او در برخورد با شاهان خاور زمین این بود:

ره کفر بگذار و اسلام گیر	مپیچان سر از شارع دین من
ره شرع من گیرو آیین من	بدان آفریننده خویش را
که دانا کند بنده خویش را	تو گردن مپیچان ز فرمان بری

و به همگان تعلیم می‌داد که:

کسی شاد و خرم رود زین سرای	که خرم کند دل به یاد خدای
----------------------------	---------------------------

.. (همان: ۴۱)

و علی (ع) وقتی که در انجام رسالتش موفق می‌شد بسیار خوشحال می‌شد همانند معلم دلسوزی که فقط با پیشرفت دانش آموزش دلشاد می‌شود.

حضرت در میدان جنگ از شاه زنگی می‌خواهد که اسلام بیاورد تا از تیغ او ایمن باشد

تو اکنون مقرر شو به پروردگار	که تا باشی از تیغ من رستگار
مسلمان شد آن شاه پیروز بخت	ز اسلام او شد علی شادکام

(همان: ۴۴)

نقش حضرت علی (ع) در نهاد خانواده:

مجلس عقد در محضر امیر مومنان (ع):

چو مشاطه شب بر آمد به بام
پری پیکران رامشی ساختند
نخستین به آئین پیغمبری
علی خطبه خواند آن دلارام را

ز عنبر سیه کرد گیسوی شام
ز بیگانه خرگه برداختند
بستند عقد زنا شوهری
بشمشاد داد آن گل اندام را

.. (همان: ۱۰۲)

ازدواج در اسلام یک امر مقدس و یک عبادت تلقی شده است. زیرا یکی از علل آن این است که ازدواج اولین قدمی است که انسان از خود پرستی و خود دوستی به سوی غیر دوستی بر می‌دارد. تا قبل از ازدواج، فقط ((من)) وجود داشت و همه چیز برای ((من)) بود. اولین مرحله‌ای که این حصار شکسته می‌شود، یعنی یک موجود دیگری هم در کنار این ((من)) قرار می‌گیرد و برای او معنی پیدا می‌کند ازدواج است. در خاوران نامه وقتی که حضرت علی (ع) خطبه خوان مجلس عقد می‌شود قداست و اعتبار ازدواج در اسلام بیان می‌شود و اینکه مقصود از ازدواج که باید برای رسیدن زن و مرد در کنار یکدیگر و ایجاد مودت و دوستی باشد و ازدواج هدفی برتر و بالاتر را در نظر می‌گیرد و آن بقای نسل است که با به دنیا آمدن فرزند این خانواده قوام بیشتری می‌یابد. در خاوران نامه شاهد ازدواج دیگری هم هستیم و آن هم ازدواج مالک سپهدار لشکر اسلام با دلارام دختر جمشید شاه، از شاهان خاوران زمین است.

نهاد خانواده در نظر حضرت علی (ع) ارزش و احترام بسیاری داشت و از توجیهاات عملی حضرت به لشکریانش این بود که در جنگ اطفال و زنان را نکشید و به اسیران به خصوص خانواده‌های آنان باید پناه داد. زمانی که حضرت علی طی رشادتهایی که از خود نشان داد نتوانست دروازه خاور را فتح و ازجا بکند، وقتی که وارد شهر می‌شود مردم شهر خاور مسلمان می‌شوند، جمشید شاه گریزان می‌شود و تخت را رها می‌کند و حضرت علی (ع) بر تخت جمشید شاه، (شاه خاور) می‌نشیند که زن شاه و پوشیدگان سرای به نزد حضرت می‌آیند و در نزدیکی حضرت جای می‌گیرند و در امان و پناه او می‌مانند.

به شهر اندر آمد علی با سپاه
همه شهر خاور مسلمان شدند
زن شاه و پوشیدگان سرای

نشست از بر تخت جمشید شاه
بدو یک به یک آفرین خوان شدند
به نزدیک حیدر گرفتند جای

.. (همان: ۱۰۰)

نقش حضرت علی (ع) در نهاد تفریح:
جهانگرد:

حضرت امیر (ع) در پاسخ به کوتوال حصار که چرا به مرغزار آمده است چنین پاسخ می‌گوید:

به پاسخ علی گفت کز بر برم جهان
گشتم آرزو خاستست کنون زان همی
گردم اندر جهان خوش آمد هوای جهان
گشتم کسانی که ایشان جهان دیده اند.

سرانرا به مردانگی افسرم بدین آرزو
جانم آراستست که آگاه گردم ز
کار آگهان چه باید به گنجی نهان
گشتم پسندیده هر پسندیده اند

.. (همان: ۴۴)

مهمان پذیر:

وقتی که فرماندهان سپاه، به حضور حضرت علی (ع) می‌رسند، گزارش کارهای خود را به او بدهند، حضرت برای رفع خستگی آن‌ها و دلجویی نمودن آنها، مهمانی ترتیب می‌دهد.

وزین روی تازی سواران ز دشت
سپهد بیامد به آرامگاه
بفرمود تا خوان بینداختند

به لشکر گه خویشان بازگشت
شستند گردن کشان سپاه
نخستین ز خوردن بپرداختند ..
(همان: ۸۵)

کوهنورد:

حضرت علی (ع) بهمراه صلصال و زن او به شهر زرین می‌روند ولی برای رسیدن به دروازه شهر باید به بالای کوه می‌رفتند تا ابرهای آتش را خاموش می‌نمودند و حضرت به تنهایی به بالای کوه رفته و ابر آتش فشان را خاموش می‌کند
علی گفت کاتش فشان گشت ابر
هم ایدر زمانی بسازدید صبر
بباشید تا من بنام خدای
برین ابر آتش فشان در روم
برین کوه دامن بجنیم زجای
وزین دامن کوه برتر روم
(همان: ۱۴۵)

نقش حضرت علی (ع) در نهاد هنر:

قهرمان حماسی خاوران نامه، حضرت علی (ع) هنرمندی است که تمام فنون و آداب و ریزه کاریهای جنگ را میداند، چنان در کمند اندازی مهارت دارد که بسیاری از شاهان و سرداران خاوران را به بند می‌کشاند. با شمشیرش به نام ذوالفقار سر بسیاری از دشمنان را به خاک می‌اندازد با اسب تندرواش به نام دلدل چنان در میدان‌های نبرد می‌تازد که گرد و خاک را به آسمان بلند می‌کند، صلصال شاه، کشتی می‌گیرد و او را به خاک می‌زند و با همین شاه بر سر حلقه‌های زورآزمایی می‌کند و حلقه را می‌شکند...
هنر شمشیر زنی:

به بازوی خنجر کش ذولفقار ..
کجا تیغ دیگر بود یادگار ..
(همان: ۵۸)

امیر زنه‌ار به حضرت امیر(ع) می‌گوید:

از آنکه که تیغ ترا دیده ام ..
تــرا از دلیــران پــســنــدیده ام ..
(همان: ۶۲)

حضرت امیر (ع) در جنگ با اردشیر:

چو حیدر به قلب سپه راه یافت
به بالای سر برد شمشیر شیر
بزد بر کمر گاه مرد دلیر

سوی اردشیر سپهد شتافت
هان شد بزیرسپر اردشیر
بدو نیمه شد پیکر اردشیر
(همان: ۷۷)

حضرت امیر در نبرد با موجودات افسانه‌ای چنان با ذوالفقار برگردن آنان می‌زند که سر آنها چهل قدم از تنشان دور افتاد:

چو شیر دلاور چنان دید کار
بیامد مهتر پیل گوش
یکی تیغ زد تیز بر گردنش
از آن پیل گوشان به شمشیر تیز

بزد ست بر دست ذوالفقار
برآمد چون رعد غران خروش
چهل گام سرماند دور از تنش.
بر آورد شیردمان رستخیز
(همان: ۷۱)

زور آزمایی حضرت علی (ع) با صلصال:

بی‌تا زمانی گشایش کنیم
تو یک سو حلقه بگیری به جنگ
کشد هر که حلقه به نیروی خویش
بینیم تا چیره دستی کراست
دو شیر دلاور گشادند چنگ
خم آورد صلصال بالا و پشت
بکوشید چندان که بودش توان
به نیروی بازو به دست یلی
چو آن حلقه حیدر کشیدن گرفت
بروی اندر افتاد صلصال پست
..

بدو خویش را آزمایش کنیم
نماییم لختی شتاب و درنگ...
تو از سوی خویش و من از سوی خویش
بلندی کدام است و پستی کراست...
گلوگاه حلقه گرفتند تنگ
بیفشرد بر حلق آن حلقه مشت
نیآورد خم بازوی پهلوان
قوی کرد سر پنجه بروی علی
خم حلقه از هم دریدن گرفت
خم حلقه بیرون شد او را ز دست
.. (همان: ۱۳۸)

و به این ترتیب حضرت علی (ع) با صلصال که بر سر حلقه‌ای زور آزمایی می‌کند، هنر زور و بازوی حضرت بار دیگر بر صلصال روشن می‌شود.

کشتی گرفتن حضرت علی (ع) با صلصال شاه:
فرود آمد از اسب صلصال دال
دوال کمرها گرفتند تنگ ..
به کشتی گرفتن بر افراخت یال
زمانی به کشتی بسودند چنگ....

کمند افکندن کفار به سوی حضرت علی (ع) که با هنر نمایی خاصی از پیچ خم کمند دشمن رهایی می‌یابد:

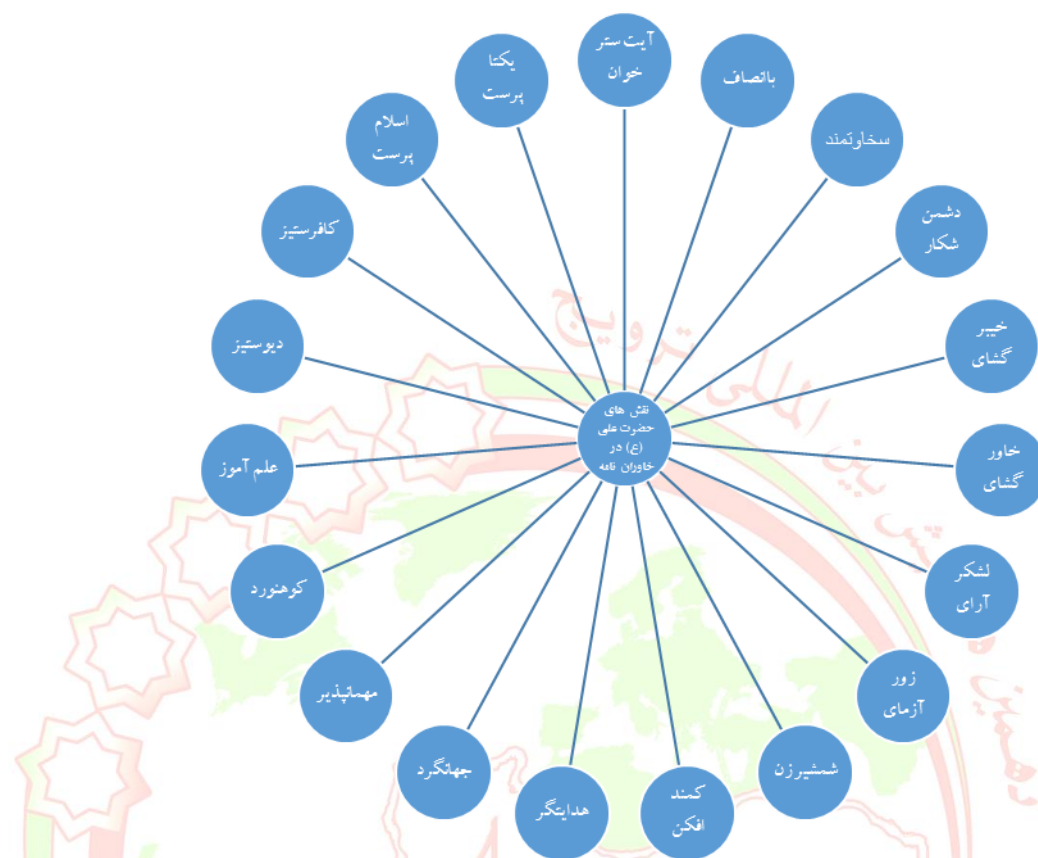
برون راند دلدل ز درگاه شاه
گشادند ناگه برو ده کمند
دلاور برانگیخت دلدل ز جای
رها شد ز دست دلیران کمند
همی خواست کاید به نزد سپاه
میان علی اندر آمد به بند
بر آورد جنگ آورن را ز پای
به پیچید خام و بدزید بند
(همان: ۷۵)

حضرت علی در مصاف با زنگیان، زنگی شیردل را هم به خم کمندش می‌گیرد:

به سر پنجه چون شیر بگشای جنگ
به پیچید او را علی بر درخت
پدید آید اکنون ز آهو پلنگ
به خم کمندش پسید سخت ..
(همان: ۴۴)

نتیجه:

نقش‌هایی را که قهرمانان در نهادهای مختلف اجتماعی به عهده داشتند گویای این واقعیت اند که بعضی از نقش‌ها پررنگ‌تر و کلیدی هستند و بعضی نقش‌ها نمود کمتری دارند. به هر حال آنچه که ثابت شد این بود که «نهاد دین» از آن جایی که با باور و ایمان فرد رابطه‌ای مستقیم دارد بیشترین رفتارهای فرد را در حیطه فرمان خود دارد. باورها ایدئولوژی هر فردی را تشکیل می‌دهد که بر مبنای آن هر فرد رفتارهای خود را طبق آن سامان می‌بخشد. رفتارهای قهرمانان داستان در این اثر حماسی بیانگر نقش‌های متفاوت آن در سطح جامعه است. نقش کلیدی و مهم حضرت علی (ع) در خاوران نامه ابن حسام در نهاد دین قابل ملاحظه است به طوری که تمام نقش‌های این قهرمان دینی از جمله نهاد سیاست در گرو همین نهاد دین خلاصه می‌شود.



منابع

- ۱- خوسفی بیرجندی، ابن حسام(۱۳۸۱)، خاوران نامه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، تهران.
- ۲- دامادی، سیدمحمد(۱۳۸۰)، ویژگی‌های شاخص در شعر ابن حسام خوسفی و نقش فرهنگ وی در تشکیل حکومت شیعی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی بیرجند، شماره اول، بهار.
- ۳- رزم آرای رودی، خیرا(۱۳۸۰)... - نگاهی به زندگانی ابن حسام، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی بیرجند، شماره اول، بهار.
- ۴- صفا، ذبیح ... (۱۳۸۲)، تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات فردوس، تهران، چاپ دوازدهم.
- ۵- طلاس، مصطفی (بی تا)، پیامبر و آیین نبرد، ترجمه: حسن اکبری مرزناک، انتشارات بعثت، تهران.
- ۶- وثوقی، منصور، نیک خلق، علی اکبر(۱۳۷۷)، مبانی جامعه شناسی، انتشارات خردمند، تهران، چاپ دوازدهم.
- ۷- یزدی، شرف‌الدین علی(۱۳۶۶)، ظفرنامه، تصحیح و اهتمام محمدعباسی، جلد اول، امیرکبیر، تهران.